



تحلیلی بر قانون به کارگیری سلاح توسط نیروهای مسلح در موارد ضروری

پسر شکتب نقصابی، عبدالرحیم رادشیر
(مدیر حقوقی فرماندهی انتظامی استان بزد)

می‌خواهند توقیف نمایند اقداماتی نمایند که در مورد اول و دوم این ماده مذکور است و جان عمال ضبطیه در مخاطره باشد.
پنجم: در مواردی که محبوس از حبس فرار نماید و در تعقیب و توقیف اقداماتی نماید که در مورد اول و دوم این ماده مذکور است.
موارد قانونی استعمال اسلحه در مواقع غیرعادی به شرح زیر است:
در مواردی که دسته‌ای از عمال ضبطیه و نظمیه و قراسوران برای اطفاء^(۳) ناپره^(۴) شورش احضار می‌شوند.
استعمال اسلحه با رعایت شرایط ذیل جایز است:
اول: اقدام به استعمال اسلحه منوط به اجازه صاحب^(۶) منصب ضبطیه‌ای است که اسکات^(۷) شورشیان به عهده او واگذار شده و او هم حکم استعمال اسلحه را فقط وقتی خواهد داد که وسایل دیگر ثمری نبخشیده باشد.
دوم: صاحب منصب ضبطیه یا نظمیه باید قبل از حکم به استعمال اسلحه سه دفعه با شورشیان اتمام حجت نموده، اعلام کرده باشد که استعمال اسلحه خواهد کرد.

سوم: در صورتی که موقع مقتضی اتمام حجت فوق‌الذکر و فوت وقت نباشد مثلاً در مواردی که شورشیان حمله به مال ضبطیه آورند به طوری که آنها در مخاطره باشند یا آنکه اشخاص دیگری مورد حمله شورشیان واقع شوند و اقدام فوری برای استخلاص^(۸) آنها لازم باشد بدون اتمام حجت حکم به استعمال اسلحه می‌توان کرد.

(ب) لایحه راجع به تشدید مجازات سارقین مسلح که وارد منزل یا

قبل از تصویب قانون به کارگیری سلاح توسط نیروهای مسلح در موارد ضروری در تاریخ ۷۳/۱۰/۱۸، قانون منسجم و یکپارچه‌ای در این مورد وجود نداشته و قوانین زیر مورد عمل و استفاده نیروهای مسلح در این خصوص بوده است:

الف) موارد قانونی استعمال اسلحه توسط مأمورین از قانون تشکیل ایالات و ولایات و دستورالعمل حکام موضوع قسمت دوم مقررات منضم به ماده (۲۲۶) قانون مزبور در باب استعمال اسلحه توسط مأمورین ضبطیه^(۱) نظمیه^(۲) قراسوران^(۳) مصوب ۲۴ ذیحجه ۱۳۲۵ قمری که موارد قانونی استعمال اسلحه در مواقع عادی، که شامل ۳ ماده و موارد قانونی استعمال اسلحه در مواقع غیرعادی شامل یک ماده بوده است:
موارد قانونی استعمال اسلحه در مواقع عادی در موارد زیر احصا گردیده بود:

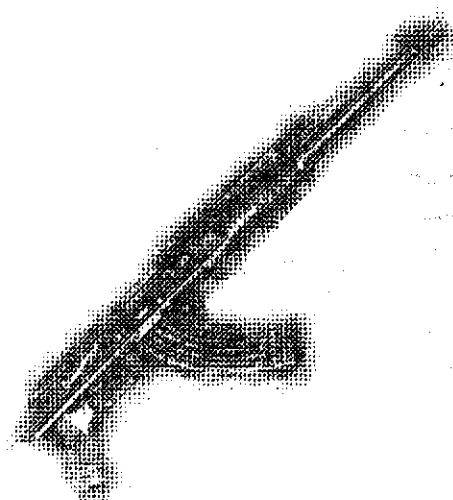
اول: به جهت مدافعه شخصی خود از کسی که با اسلحه به آنها حمله می‌آورد.

دوم: به جهت مدافعه شخص خود از یک یا چند نفر که بدون اسلحه حمله می‌آورند ولی اوضاع و احوال طوری باشد که بدون استعمال اسلحه، مدافعه شخصی امکان نداشته باشد.

سوم: در صورتی که مأمورین ضبطیه و نظمیه و قراسوران ببینند که یک یا چند نفر مورد حمله واقع شده‌اند و جان آنها در خطر است.

چهارم: در صورتی که جانی یا مقصری را که عمال ضبطیه و غیره





مسکن اشخاص می‌شوند مصوب تیر ماه ۱۳۳۳؛ ماده (۱) سارق مسلح و قطاع‌الطریق^(۸) هرگاه با اسلحه امنیت مردم و جاده را بهم بزند و رعب و وحشت ایجاد کند محارب است.

تبصره: در صورتی که ساکنین محل مزبور در مقام مدافعه از مال یا جان و ناموس و یا جلوگیری از بردن مال در محل سرقت مرتکب قتل یا جرح و یا ضرب سارقین بشوند از مجازات معاف خواهند بود و همچنین اگر متهم یا متهمین به اخطار مأمورین انتظامات تسلیم نشوند و در نتیجه فرار آنها و تیراندازی مأمورین مجروح یا مقتول گردند مأمورین انتظامی از مجازات معاف می‌باشند.

پ) ماده (۳۲) مستخرجه از نظام‌نامه اداره نظمیه مصوب هیئت محترم وزرای نظام دولت مصوبه مورخه ۳ شهر صفر المظفر منطبق با ۲۹ قوس ۱۳۳۳ موافق ۲۱ دسامبر ۱۹۱۴.

ماده ۳۲: مأمورین نظمیه در مواقع ذیل مجازند که اسلحه خود را به‌کار ببرند ولی باید به‌خوبی متوجه این نکته باشند که اسلحه خود را فقط در مواقعی می‌توان استعمال نمود که چاره آنها منحصر به استعمال اسلحه بوده یا اینکه به‌جز استعمال سلاح به وسایل دیگر غیر ممکن باشد که به مقصود نایل آیند. مأمور نظمیه قبلاً مشخص نماید که چه نوع اسلحه‌ای باید به‌کار برد و به چه قسم از حمله که به او می‌شود جلوگیری نموده که حتی‌الامکان قتلی واقع نگردد.

الف: در مواقعی که طرف حمله واقع شده و جان آنها در خطر باشد.
ب: در موقع دستگیری مرتکب به جنایت می‌شود یا متهم به جرمی هرگاه آنها با مأمور مزبور در صدد زو خورد برآیند.

پ: در مواقعی که شخص جانی گرفتار در صدد فرار برآید.
ت: نسبت به اشخاصی که با تهدید به استعمال اسلحه مخالفت به امر آنان نموده و در صورتی که مأمور نظمیه امر به توقیف می‌دهد در صدد فرار باشد.

در تمام مواقع دیگر که در فوق پیش‌بینی نشده باشد مأمور نظمیه در استعمال اسلحه خود مسئول خواهد بود.

ج: قانون اجازه حمل و استعمال اسلحه به نگهبانان بانک‌ها مصوب تیر ۱۳۵۰.

ماده واحده: نگهبانان بانک‌های دولتی در صورتی که واجد شرایط ورود به آموزشگاه پاسبانی شهربانی بوده و دوره آموزشگاه مذکور را گذرانده و تعلیمات حفاظتی مخصوص بانک را فرا گرفته باشند، فقط در مدت نگهبانی با رعایت مقررات مربوطه حق حمل سلاح و در موارد زیر حق استعمال آن را دارند. مشروط بر آن که جز از راه استعمال سلاح نتوان به طریقه دیگری حمله یا خطر را بلااثر یا متوقف ساخت.

۱. در صورتی که جواهرات، وجوه و اوراق بهادار و فلزات قیمتی و اسناد متعلق به بانک و یا تحت حفاظت بانک جزاً و یا کلاً در داخل بانک یا اماکنی که محافظت اشیای مذکور در آنجا به عهده نگهبانان بانک محمول شده و یا در حین حمل و نقل مورد خطر قرار گیرد.

تبصره:

۲. نگهبانان مؤسسات اعتباری دولتی و یا بانک‌های غیردولتی در صورت تاراج شدن شرایط مندرج در این قانون با تصویب هیئت وزیران می‌توانند از مقررات مذکور در فوق استفاده نمایند.

د: آیین‌نامه استعمال اسلحه به‌وسیله افراد گارد صنعت نفت مصوب اسفند ۱۳۵۳.

ماده ۱: افراد مسلح گارد صنعت نفت هنگام نگهبانی در موارد زیر حق استعمال اسلحه خواهند داشت.

الف: در صورتی که جان نگهبان در خطر باشد.

ب: موقعی که محل یا حوزه نگهبانی به‌وسیله متجاوز در خطر باشد.

ج: در مواقع اضطراری به‌منظور اعلام خطر یا شلیک تیر هوایی.

د: هرگاه عابری در محوطه تحت حفاظت به سه‌اخطار (ایست) نگهبان توجه ننمایند.

ه: وقتی که دستور استعمال اسلحه به‌وسیله سلسله مراتب از پاس‌بخش به بالا به نگهبان صادر و ابلاغ گردد.

تبصره: در موارد فوق، نگهبان باید سعی کند حتی‌المقدور به نقاط غیر حساس بدن تیراندازی نماید.

ه: مستخرجه از فصل هشتم حدود مسئولیت جزایی قانون راجع به مجازات اسلامی مصوب سال ۶۱۷/۲۱ مجلس محترم شورای اسلامی.

ماده ۳۱: اعمالی که برای آنها مجازات مقرر شده است در موارد زیر جرم محسوب نمی‌شود:

۱. در صورتی که ارتکاب عمل به امر آمر قانونی باشد و خلاف شرع نباشد.

۲. در صورتی که ارتکاب عمل برای اجرای قانون اهم لازم باشد.

۳. در صورتی که ارتکاب عمل به‌عنوان امر به معروف یا نهی از منکر باشد.

ماده ۳۲: هر کس در مقام دفاع از نفس یا عرض یا ناموس یا مال خود یا دیگری و یا آزادی تن خود یا دیگری در برابر هرگونه تجاوز قطعی یا خطر قریب‌الوقوع عملی انجام دهد که جرم باشد، در صورت اجتماع شرایط زیر



قابل تعقیب و مجازات نخواهد بود.

۱) دفاع یا تجاوز و خطر متناسب باشد.

۲) توسل به قوای دولتی بدون فوت وقت عملاً ممکن نباشد و یا مداخله قوای مذکور در رفع تجاوز و خطر مؤثر واقع نشود.

تبصره: وقتی دفاع از نفس، ناموس، عرض یا مال یا آزادی تن دیگری جایز است که او نتواند از دفاع بوده و نیاز به کمک داشته باشد.

و: مستخرجه از قانون مجازات اسلامی (مبحث تعزیرات فصل مربوط به جرایم علیه اشخاص و اطفال)

ماده ۹۲: قتل و ضرب و جرح هرگاه در مقام دفاع از نفس یا عرض یا حال خود مرتکب یا شخص دیگری واقع شود، با رعایت مواد ذیل مرتکب مجازات نمی‌شود؛ مشروط بر اینکه دفاع متناسب با خطری باشد که مرتکب را تهدید می‌کرده است.

تبصره: در مورد دفاع از مال غیر استمداد صاحب مال شرط است.

ماده ۹۴: دفاع در مواقعی صافق است که:

۱. خوف برای نفس، عرض یا مال مستند با قرائن معقول باشد.

۲. دفاع متناسب با حمله باشد.

۳. توسل به قوای دولتی و هرگونه وسیله آسانتری برای نجات میسر نباشد.

ماده ۹۵: مقاومت در مقابل قوای شهربانی و ژاندارمری و دیگر ضابطین دادگستری در مواقعی که مشغول انجام وظیفه خود باشند دفاع محسوب نمی‌شود؛ ولی هرگاه اشخاص مزبور از حدود وظایف خود خارج شوند و یا برحسب ادله و قرائن موجود خوف آن باشد که عملیات آن موجب قتل یا جرح یا تعرض به عرض گردد، در این صورت دفاع در مقابل آنها جایز است.

ماده ۹۶: در موارد ذیل، قتل عمدی به شرط آن که دفاع متوقف به قتل باشد مجازات نخواهد داشت:

۱. دفاع از قتل و جرح شدید و ضرب و آزار شدید.

۲. دفاع در مقابل کسی که درصدد هتک عرض و ناموس دیگری به اکراه و عنف برآید.

۳. دفاع در مقابل کسی که درصدد سرقت و ربودن انسان یا مال او برآید.

ز: ماده (۸۷) آیین‌نامه جدید زندان‌ها:

نگهبان زندان در مواقعی که در داخل زندان‌ها مأموریت داشته باشند بدون اسلحه انجام وظیفه نمایند؛ اسلحه، مهمات و تجهیزات زندان باید در پوشش خارج از زندان در جایی امن و مستحکم نگهداری شود.

هنگامی که نگهبانان، زندانی را طبق دستور رسمی و کتبی مقامات صلاحیت‌دار قانونی برای محاکمه یا بازپرسی یا انتقال به زندان دیگر، از زندان خارج می‌نمایند باید مسلح باشند و در طول راه حق توقف و مذاکره و حرف زدن با کسی را ندارند و مکلفند زندانی را برابر مقررات مربوطه تحت مراقبت کامل از جایی خلوت مستقیماً به مرجع احضارکننده بدرقه نموده پس از انجام کار او را بلافاصله به همان نحو مستقیماً به زندان معاودت داده و به افسر نگهبان خارج تحویل نمایند.

نگهبانان به هنگام نگهبانی، بدرقه و حفاظت زندانیان از ادای احترامات

نظامی معاف خواهند بود؛ اگر زندانی مبادرت به فرار نماید نگهبان موظف است ضمن استمداد از اطرافیان با تمام قوا او را تعقیب نموده و چنانچه با به‌کاربردن تمام تلاش ممکن موفق به دستگیری او نشود سه مرتبه با صدای بلند و رسا ایست داده هرگاه باز هم توقف ننمود با رعایت اطراف و جوانب توجه به اینکه باعث قتل یا جرح کسی نگردد با استفاده از اسلحه و خالی کردن تیرهایی و در مقام ناچاری با نشانه‌گیری ساق پای زندانی، از فرار او جلوگیری نماید.

نظربه اینکه برابر ماده (۱۷) ق.ب.س، از تاریخ تصویب و ابلاغ این قانون کلیه قوانین و مقررات مغایر ملغاً گردیده است به‌نظر می‌رسد در مقام اجرا هیچ یک از قوانین و مقررات فوق با قانون مصوب ۱۳۷۳ مغایرتی نداشته باشد و کلیه قوانین مذکور نیز قابل استناد و مجری می‌باشد و خلاء و نواقصات قانون فوق با قوانین ذکر شده قابل جبران است. به‌طور مثال:

در قانون به‌کارگیری سلاح مصوب سال ۱۳۷۳، درخصوص تیراندازی جهت جلوگیری از فرار قاتلین و کسانی که بدون استفاده از وسایط نقلیه نسبت به مردم تهاجم عمدی کرده باشند یا قاچاقچیان مواد مخدر و کالای قاچاق که به‌صورت کوله‌باری مرتکب حمل قاچاق می‌شوند و به محض دیدن مأمورین، محموله خود را رها و یا با محموله فرار می‌کنند، ساکت است، که درصورت اول می‌توان به استناد بند پ ماده (۳۲) مستخرجه از نظام نامه اداره نظمیه که مقرر داشته: «در مواقعی که شخص جانی گرفتار درصدد فرار برآید» و در مورد دوم، بند ت همین قانون که مقرر داشته: «نسبت به اشخاصی که با تهدید به استعمال اسلحه مخالفت به امر آنان نموده و در صورتی که مأمور نظمیه امر به توقیف می‌دهد درصدد فرار باشد» قابل استناد و موجه است.

از طرفی، در قانون به‌کارگیری سلاح مصوب ۱۳۷۳، در بند «ه» ماده (۳) مقرر داشته: «در موردی که شخص بازداشت شده یا زندانی، از بازداشتگاه یا زندان یا در حال انتقال فرار نماید»

در این بند، شق اول آن، یعنی شخص بازداشت شده مبهم است و معلوم نیست آیا شامل افرادی که در جرایم مشهود بازداشت می‌شوند، می‌باشد یا خیر. متأسفانه، در مصوبه شماره ۲۱۲۵۰ ت ۲۱۳۴۰ مورخ ۸۱/۵/۷ هیئت محترم وزیران نیز فقط افراد بازداشتی و زندانی را تعریف و تشریح نموده و درموردی شخص بازداشت شده ساکت است. نظربه اینکه مأموریت ناچا در مقام ضابط دادگستری که برابر منطوق ماده (۲۴) ق.ا.د.ا.ع.ا، در امور کیفری مقرر داشته «... چنانچه در جرایم مشهود، بازداشت متهم برای تکمیل تحقیقات ضروری باشد، موضوع اتهام باید با ذکر دلایل بلافاصله کتباً به متهم ابلاغ شود و حداکثر تا مدت بیست و چهار ساعت می‌توانند متهم را تحت نظر نگهداری نموده.»

افرادی را که در جرایم مشهود بازداشت می‌نمایند، معلوم نیست که آیا این افراد به‌عنوان شخص بازداشت شده محسوب می‌شوند یا خیر. به‌طور مثال: مأمورین مبارزه با سواد مخدر، در ایستگاه ایست و بازرسی



که در این مورد هم اگر مثلاً راهزنان غیرمسلم باشند آیا مصداق قاطع‌الطریق هستند یا خیر؟ در مورد ترور، در ترمینولوژی حقوقی، کلمه ترور را تشریح نکرده، بلکه تروریسم را معنا نموده است. تروریسم عبارت است از کارهای جنایی ضد کشور به منظور ایجاد هراس در اشخاص یا اصناف و طبقات معین و یا همه مردم کشور. و تخریب نیز تباه نمودن ابنیه و مانند آنها از اموال غیرمنقول بیان شده است. دقت در معانی ترور و تخریب و تلفیق آن با انفجار که در ترمینولوژی حقوقی هم کلمه انفجار تشریح نشده، با مدد از روح قانون و شکل و سیاق تصویب آنها، جرایم مذکور در مقام امنیت داخلی یا خارجی بوده و به نظر می‌رسد قانونگذار، هر تخریب یا انفجاری را مدنظر نداشته است. مثلاً اگر کسی به علت دشمنی با فردی، به منظور انفجار، دیگ حاوی غذا را در منزلی با شعله زیاد منفجر نماید و یا کسی در حین رانندگی با خودرو در اثر اصابت خودرو با دیواری آن را تخریب کند. آیا می‌توان به استناد این بند، اگر مأمورین ضابط ایست دادند و آنها متوقف نشدند، از سلاح استفاده کرد؟ به نظر می‌رسد پاسخ منفی باشد.

پی‌نوشت‌ها:

۱. ژاندارم (امنیه) در دوران قاجاریه.
۲. اسم سابق شهرداری.
۳. سر کردگان و افراد محافظ جاده‌ها.
- شامل: ژاندارم‌ها و راهدارها.
۴. خاموش کردن. فرونشاندن.
۵. آتش.
۶. کسی که دارای رتبه و مقام دولتی باشد اعم از کشوری و لشکری، کسی که دارای درجه و منصب نظامی باشد. (افسر)
۷. ساکت کردن، آرام کردن.
۸. رهایی یافتن.
۹. راهزنان.

خودرویی را متوقف می‌نمایند؛ امکان دارد بر اثر گرم شدن محموله بوی مواد مخدر استشمام شده یا سگ‌های موادیاب اعلام مظنونیت نمایند. اگر در همین هنگام و قبل از کشف مواد، متهم فرار نماید آیا مأمورین مجاز به توقف وی از طریق تیراندازی هستند؟ یعنی (با رعایت کامل قانون به‌کارگیری سلاح، و اعلام سه بار ایست و پس از شلیک تیرهایی با زدن تیر به ساق یا از کمر به پایین، وی را دستگیر کنند) چنانچه مراد از شخص بازداشت شده فردی باشد که مأمورین وی را مطابق با بند ۳ ماده (۱) تعریف و طبق مفهوم مصوبه مذکور قلمداد کنیم، باشد چون فرد فوق هنوز به بازداشتگاه نرسیده و در بازداشت نمی‌باشد مشمول مقررات مذکور نمی‌باشد. مگر اینکه مطابق بند ۳ قانون نظام‌نامه اداره نظمیه که این قبیل افراد با تهدید به استعمال اسلحه مخالفت کرده و درصد فرار باشند استفاده شود. از طرف دیگر، برخی الفاظ و کلمات در قانون به‌کارگیری سلاح وجود دارد که در ترمینولوژی حقوق برای لفظ یا حکم، تعریف یا تعاریف خاصی ذکر نشده و متأسفانه در عمل امکان دارد مشکلاتی ایجاد کند. به‌طور مثال بند ۳ ماده (۳) ق.ب، سلاح مقرر داشته: «برای دستگیری سارق و قاطع‌الطریق و کسی که اقدام به ترور یا تخریب و یا انفجار نموده و در حال فرار باشد.»

در این بند، کلمات: ۱. سارق، ۲. قاطع‌الطریق، ۳. افرادی که ترور کرده‌اند، ۴. افرادی که تخریب نموده‌اند، ۵. افرادی که جایی را منفجر کرده باشند، ذکر شده است.

در مورد سارق، در ترمینولوژی حقوق تعریف و تشریح نشده و در قانون مجازات اسلامی نیز سرقت را این‌طور تعریف کرده است: ماده ۱۹۷: سرقت عبارت است از ربودن مال دیگری به‌طور پنهانی. حال اگر شخصی به‌صورت غیرپنهانی، یعنی به‌طور علنی و آشکار مرتکب ربودن مال غیر بشود، آیا مأمورین ضابط می‌توانند برای جلوگیری از فرار وی از سلاح استفاده نمایند؟ که این امر در خصوص کیف‌قاپانی که متأسفانه تعدادشان هم کم نیست و در شهرهای شلوغ و پر ازدحام مثل تهران همواره در انظار مردم و مأمورین مبادرت به کیف‌قاپی، پول‌قاپی، طلاقاپی می‌کنند، قابل توجه هست یا خیر؟ یعنی مأمورین می‌توانند برای دستگیری این افراد، از سلاح استفاده نمایند یا خیر؟ در ترمینولوژی حقوق، قاطع‌الطریق را راهزنان تعریف نموده و پنج عنصر برای این جرم ذکر نموده است:

- الف: مجرم باید مسلم یا ذمی باشد، خواه یک‌نفر باشد یا به‌طور جمعی اقدام کنند.
- ب: مجرم باید عاقل و بالغ بوده و مست و مکره و مجبور نباشد.
- ج: دارای نیرو برای نشان دادن قهر و غلبه باشد.
- د: متعرض مال یا جان یا ناموس غیر به‌صورت تجاهر علنی گردد.
- ه: مجنی‌علیه یا مجنی‌علیهم نتواند استعانه کنند و مدد بخواهند. اگر مددخواهی کنند و مددکار به‌کمک آنان بیاید و معذک تجاویز به مال یا جان یا ناموس مجنی‌علیه یا مجنی‌علیهم کنند، عنوان غارت صدق می‌کند نه قطع طریق.

